

در آغاز انقلاب اسلامی ادعاهایی اعلام می‌شد، در حال حاضر چقدر به آن ادعاها رسیده‌ایم؟

این سؤال مهمی است. این انقلاب بیش از ادعا، آرمانهایی داشت. انقلاب نیامده بود که برای مردم ایران پاسخگویی کند. انقلاب، انقلاب خود مردم بود. مردم برای تحقق آرمانهایی انقلاب کردند. این آرمانها عبارت بود از ساختن یک ایران آباد و آزاد، داشتن مردم آگاه و برخوردار از عدالت اجتماعی، نجات از وابستگی و عقب‌ماندگی علمی و استبداد و قه‌ری که آن روز بر این مملکت حکمفرما بود. می‌رسید ما چقدر به این اهداف رسیده‌ایم؛ من عرض میکنم که تحقق این اهداف، تدریجی است؛ چیزهایی است که باید برای آن تلاش و مجاهدت کرد و قدم به قدم پیش رفت. نظام اسلامی، یک نظام پیش‌ساخته - مثل خانه‌های پیش‌ساخته - نیست؛ نظامی است که باید آجر آجر و سنگ سنگ روی هم چید و آن را بالا برد. در اثنای این کار، طبیعی است که مشکلاتی پیش بیاید. این مفاهیمی هم که من گفتم - عدالت اجتماعی، آزادی، آگاهی، معنویت؛ که جزو مبانی این نظامند - مفاهیم ایستا و متحجرى نیستند. اینها چیزهایی هستند که بر حسب پیشرفت و اقتضانات زمان، ممکن است مصادیقشان تغییر پیدا کند... بنابراین ما پیشرفت زیادی کرده‌ایم؛ منتها اگر از من بپرسید که آیا به این حد قانعم، پاسخ من این است: **ابداً!** ● ۲۲/۱۲/۷۹

واکنش رهبر انقلاب اسلامی به جنایت اخیر رژیم آل خلیفه

در پی شهادت دو تن از جوانان بحرینی توسط رژیم آل خلیفه بحرین، حساب توثیتر عربی پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبر انقلاب اسلامی، موضعی از حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در واکنش به این جنایت را منتشر کرد. رهبر انقلاب درباره‌ی این حادثه فرمودند: «ظلم و زور پایدار نخواهد ماند و تصمیم و اراده‌ی ملت‌های عدالت‌طلب سرانجام پیروز خواهد شد.» گفتنی است رژیم آل خلیفه در ادامه سرکوب معترضان خود، روز شنبه‌ی هفته جاری دو تن از جوانان بحرینی به نام‌های «حمد الملالی» ۲۴ ساله و «علی‌العرب» ۲۵ ساله، را پس از شکنجه، اعدام کرد.●

نه نکته در باره نهضت مشروطه از نگاه رهبر انقلاب

شگرد انگلیسی‌ها برای شکست نهضت مشروطه

«من به جوانان عرض می‌کنم، با تاریخ گذشته‌ی نزدیک کشور تان آشنا شسود؛ چون یکی از راه‌های فریب و اغواگری، تحریف تاریخ است که امروز متأسفانه این کار به‌وفور صورت میگیرد.» ۸۰/۸/۲۰ آنچه خواندید تنها نمونه‌ای از توصیه‌ی مکرر رهبر انقلاب به جوانان مبنی بر مطالعه‌ی تاریخ و تقویت حافظه‌ی تاریخی جامعه است. رهبر انقلاب اما به این توصیه‌ی کلی اکتفا نکرده‌اند و به مصادیقی از موضوعات تاریخی و سرفصل‌هایی که می‌تواند در برنامه‌ی مطالعات جوانان و نوجوانان قرار گیرد نیز اشاراتی داشته‌اند. مطالعه‌ی تاریخ انقلاب‌های معاصر، تاریخ مشروطه، تاریخ ملی شدن صنعت نفت، تاریخ دفاع مقدس و تاریخ انقلاب اسلامی از این جمله است. نشریه‌ی **خط حزب‌الله** به مناسبت سالگرد امضای فرمان مشروطه، در گزیده‌ی بیانات پیش رو، مروری کرده‌است بر دیدگاه‌های کلیدی رهبر انقلاب درباره‌ی نهضت مشروطه.

مشروطه چگونه شکل گرفت

دوران استبداد حکومت قاجار مردم را به جان آورده بود. مردم و دلسوزان جامعه قیام کردند؛ پیشرو آنها هم علمای دین بودند. در نجف، مرجع تقلیدی مثل مرحوم آیت‌الله آخوند خراسانی؛ و در تهران سه نفر عالم بزرگ - مرحوم شیخ فضل‌الله نوری، مرحوم سید عبدالله بهبهانی، مرحوم سید محمد طباطبایی - پیشوایان مشروطه بودند... اینها می‌خواستند که در ایران عدالت برپا شود؛ یعنی استبداد از بین برود. وقتی که جوش و خروش مردم دیده شد، دولت انگلستان که آن وقت در ایران نفوذ بسیار زیادی داشت و از عواملی در میان روشنفکران بر خوردار بود، اینها را دید و نسخه خودش را به اینها القاء کرد. البته در بین همان دلسوزان هم عده‌ای از روشنفکران بودند. حق آنها نباید ضایع شود؛ لیکن یک عده روشنفکر هم بودند که مزبور و خود فروخته و از عوامل انگلیس محسوب می‌شدند. این روشنفکران به جای این که دنبال دستگاه عدالت باشند و یک ترکیب ایرانی و یک فرمول ایرانی برای ایجاد عدالت به وجود آورند، مشروطیت را سر کار آوردند. ۱۳۷۹/۷/۱۴

نهضتی که ضد استعماری و ضد استبدادی بود

وقتی به علما نگاه می‌کنیم، می‌بینیم سابقه‌ی فعالیت علما خیلی بیش از دوره‌ی مشروطیت است. شاخصه‌ی آن فعالیت‌های قبلی، «ضد بیگانه‌بودن» بود... اصلاً وجه ضد استبدادی در فعالیت‌های علما، یک وجه منطقی در جنبه‌ی ضد بیگانه‌و ضد استعماری بود... نتیجه این است که اگر کسی وجه ضد سلطه‌ای بیگانه‌رادر حرکت مشروطه ندیده بگیرد، مثل این است که ماهیت و هویت این حرکت را ندیده گرفته‌است. ۸۵/۲/۹

عدالتخواهی شعار اصلی علمای مشروطه

ا‌در نهضت مشروطه اشعار علما، «عدالت‌خواهی» بود. به طور مشخص آنچه که می‌خواستند، «عدالت‌خانه» بود. این، یک توقع اخلاقی نبود؛ چون خواست عدالت چیزی نبود که این همه سر و صدا بخواهد... اما این جنجالی که به وجود آمد و آن تحصن‌ها، آن ایستادگی‌ها و بعد مقابله‌هایی که با دستگاه استبداد شد و فداکاری‌هایی که انجام گرفت، فقط یک در خواست اخلاقی محض نبود، بلکه آنها چیز دیگری را که فراتر از یک در خواست اخلاقی بود، می‌خواستند. ۸۵/۲/۹

هدف مشروطه خواهان، جلوگیری از ظلم شاه بود

اعلما و متدینین می‌خواستند یک دستگاه قانونی‌ای وجود داشته باشد که بتواند پادشاه و همه‌ی سلسله مراتب حکومتی را تحت کنترل و نظارت خودش قرار بدهد... حالا این میتوانست تفسیر شود به مجلس شورای ملی یا مجلس شورای اسلامی؛ میتوانست تفسیر شود به یک چیز دیگر. آنچه آنها می‌خواستند یک نهاد عملی و یک واقعیت قانونی بود که قدرت این را داشته باشد که جلوی شاه را بگیرد؛ چون شاه اسلحه و سرباز داشت که اگر می‌خواستند جلوی او را بگیرند، طبعاً بایستی این دستگاه قدرتی فراتر از سرباز و سربازخانه داشته باشد. ۸۵/۲/۲۹

مردم و علما عدالت اسلامی می‌خواستند

معیار این عدالت، قوانین اسلامی بود؛ یعنی «عدالت اسلامی» می‌خواستند؛ در این هیچ تردیدی نیست و این را بارها و بارها گفته بودند. آنچه که مورد در خواست مردم بود این بود، که متشن هم مواد اسلامی و احکام اسلامی و قوانین اسلامی است. انگلیس‌ها ... آمدند بر این موج فرصت طلبانه مسلط شدند و این را گرفتند و از شاه عبدالعظیم هدایتش کردند به سفارت انگلیس، بعد هم گفتند مشروطه! مشروطه هم از نظر الهام‌دهندگان معلوم بود که معنایش چیست! ۸۵/۲/۲۹

خوش باوری، کار دست علما داد!

انسان وقتی به اظهاراتی که مرحوم آسید عبدالله بهبهانی و مرحوم سید محمد طباطبایی در مواجهه و مقابله‌ی با حرف‌های شیخ فضل‌الله و جناح ایشان داشته‌اند، نگاه می‌کند، این مسئله را در می‌یابد که عمده‌ی حرف‌ها به همین است که ... حرف‌هایی را که از سوی روشنفکرها و به‌وسیله‌ی عمال حکومت گفته می‌شد و وعده‌هایی را که داده می‌شد، حمل بر صحت می‌کردند. این طور می‌گفتند که: شما دارید عجله می‌کنید؛ سوءظن دارید؛ اینها قصد بدی ندارند؛ اینها هم هدفشان دین است! این مسائل در مکاتبات، نامه‌های صدراعظم و... به مرحوم آخوند منعکس شده است. انسان می‌بیند که حساسیت آنها را در مقابل انحراف کم کرده‌اند؛ اما حساسیت بعضی‌ها مثل مرحوم آشیخ فضل‌الله باقی ماند؛ اینها حساس ماندند؛ اصرار کردند و در متمم، آن مسئله‌ی پنج مجتهد جامع‌الشرایط را گنجانند و مقابله کردند. یک جمع دیگری از همین جبهه، این حساسیت را از دست دادند و دچار خوش‌باوری و حُسن ظن و شاید هم نوعی تغافل شدند. ۸۵/۲/۲۹

نهضت از مسیر خودش منحرف شد

نتیجه چه شد؟ نتیجه این شد که این نهضت عظیم مردم که پشت سر علما و به نام دین و با شعار دین خواهی بود، بعد از مدت بسیار کوتاهی منتهی به این شد که شیخ فضل‌الله نوری را در تهران به دار کشیدند. اندک زمانی بعد، سید عبدالله بهبهانی را در خانه‌اش ترور کردند. بعد از آن هم سید محمد طباطبایی در انزوا و تنهایی از دنیا رفت. آن وقت مشروطه را هم به همان شکلی که خودشان می‌خواستند بر گرداندند؛ مشروطه‌ای که بالاخره منتهی به حکومت رضاخانی شد! ۱۳۷۹/۷/۱۴

غفلتی که امام خمینی (ره) دچار آن نشد

من به انقلاب خودمان که نگاه می‌کنم، می‌بینم هنر بزرگ امام این بود که دچار این غفلت نشد؛ اساس کار امام این است. امام اشتباه نکرد که حرفی را که گفته بود و هدفی را که اتخاذ کرده بود، در سایه‌ی تنبیه و ظاهرسازی‌های شعارهای دیگران گم کند و فراموش کند. این، اساس کار موفقیت امام بود که مستقیم به طرف هدف پیش رفت؛ صریح و عریان آن را جلوی چشمش قرار داد و به طرف آن حرکت کرد. متأسفانه این کار را زعمای روحانی و مشروطه نکردند و برایشان غفلت ایجاد شد، فلذا اختلاف شد. اختلاف که به وجود آمد، آنها تسلط پیدا کردند. ۸۵/۲/۲۹

۱۳ در صُغریات اشتباه می‌کند. این در ک صحیح از مبانی دین و از موضوعات دینی و از موضوعات خارجی منطبق با آن مفاهیم کلی و عمومی یعنی کُبریات و صُغریات احتیاج دارد به اینکه ما شجاعت داشته باشیم، ترس نداشته باشیم؛ و الاّ ترس از مال مان، ترس از جان مان، ترس از آبرویمان، انفعال در مقابل دشمن، ترس از جَوّ، ترس از فضا، اگر این حرف را بنویسم، علیه ما خواهند بود؛ اگر این حرف را بنویسم، فلان لکه را به ما خواهند چسباند؛ این ترس‌ها فهم انسان را هم مختل می‌کند. گاهی انسان به خاطر این ترس‌ها، به خاطر این ملاحظات، صورت مسئله را درست نمی‌فهمد؛ نمیتواند مسئله را درست درک بکند و حل بکند؛ موجب اشتباه خواهد شد. ۸۸/۷/۲۲

بنابر این «در مواجهه‌ی با حوادث نباید دچار ترس و دلهره شد. اَلَا اِنَّ اَوْلِیاءَ اللّٰهِ لَا خَوْفَ عَلَیْهِمْ وَلَا هُمْ یَحْزَنُونَ؛ این آیه [در سوره‌ی یونس است نگاه کردیم، در سوره‌ی بقره اهم] شاید چهار پنج جا لا خَوْفَ عَلَیْهِمْ وَ لا هُمْ یَحْزَنُونَ در مورد مؤمنین آمده. خوب این به خاطر ایمان است، به خاطر ارتباط با خدا است، به خاطر قبول ولایت الهی است؛ خوف و مانند آن نباید باشد. امام (رضوان الله علیه) واقعاً نمی‌ترسید. ما یک وقتی خدمت ایشان نشستیم بودیم - همان اوّل انقلاب؛ همان وقت‌هایی که با آن بنده خدا یک‌بند داشتیم سر قضایای نیروهای مسلّح و این حرف‌ها- بنده به ایشان گفتم «علت اینکه شما مثلاً فلان جمله را در باره‌ی فلان شخص گفتید این است که می‌ترسید...» می‌خواستم بگویم «می‌ترسید که نیروهای مسلح مثلاً بدشان بباید»، تا گفتم «می‌ترسید»، ایشان همین جور بلافاصله گفتند «من از هیچ چیز نمی‌ترسم». ایشان منتظر نشدند که متعلق ترس را بگویم؛ تا گفتم «شما می‌ترسید»، ایشان گفتند «من از هیچ چیز نمی‌ترسم». واقعاً هم همین جور بود؛ ایشان از هیچ چیز نمی‌ترسید. ۹۷/۱۲/۲۳

اگر مسئولین کشور بترسند...

«شجاعت در برابر هیبت دشمن، جزو شاخص هاست. در مقابل دشمن اگر مسئولین کشور احساس رعب و خوف بکنند، بر سر ملت بلاهای بزرگ خواهد آمد. آن ملت‌هایی که ذلیل و مقهور دست دشمن شدند، عمده‌ی علت این بود که مسئولان - پیشروان قافله‌ی ملت - شجاعت لازم، اعتماد به نفس لازم را نداشتند. گاهی در بین آحاد مردم عناصر مؤمن، فعال، فداکار، آماده‌ی به جانبازی هستند، منتها مسئولین و رؤسا وقتی خودشان این آمادگی را ندارند، نیروهای آنها هم از بین می‌رود و این ظرفیت هم نابود می‌شود. آن روزی که شهر اصفهان در دوره‌ی شاه سلطان حسین مورد غارت قرار گرفت و مردم قتل عام شدند و حکومت باعظمت صفوی نابود شد، خیلی از افراد غیور بودند که حاضر بودند مبارزه و مقاومت کنند؛ اما شاه سلطان حسین ضعیف بود. اگر جمهوری اسلامی دچار شاه سلطان حسین‌ها بشود، دچار مدیران و مسئولاتی بشود که جرأت و جسارت ندارند؛ در خود احساس قدرت نمی‌کنند، در مردم خودشان احساس توانائی و قدرت نمی‌کنند، کار جمهوری اسلامی تمام خواهد بود.» ● ۸۷/۹/۲۴